

نفوذ اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

آتوسا گودرزی^۱

روح‌اله صالحی دولت‌آباد^۲

افزایش نقش انرژی و اقتصاد در روابط بین‌الملل، دولت‌ها را به یافتن منابع اقتصادی جدید در سایر مناطق جهان واداشته است. در این میان روسیه به عنوان یک ابرقدرت انرژی در جهان سعی دارد تا اقتدار دوران شوروی سابق را باز یابد. توسعه نفوذ در جمهوری‌های سابق شوروی یکی از ابزارهای عمده روسیه برای پیشبرد این هدف است. وجود منابع عظیم انرژی در آسیای مرکزی سبب شده تا روسیه در این منطقه حضور فعال داشته باشد. برای این منظور روسیه روابط سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای آسیای مرکزی را افزایش داده است تا همچنان قدرت برتر در منطقه خارج نزدیک باشد. روسیه با کنترل انرژی منطقه در تلاش است تا برتری خود در بازارهای جهانی انرژی را حفظ کند. روسیه تلاش کرده است تا از طریق افزایش کنترل خود بر منابع انرژی منطقه، استقرار نیروهای خود در آسیای مرکزی و ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای جمهوری‌های آسیای مرکزی را در حوزه نفوذ خود نگه دارد. روسیه می‌خواهد تا جمهوری‌های آسیای مرکزی در زمینه‌های دفاعی و اقتصادی ضعیف و ناتوان باشند تا از این طریق تسلط خود را بر این کشورها حفظ کند. سؤال اصلی مقاله این است که "چگونه روسیه می‌تواند نفوذ خود در آسیای مرکزی را حفظ کند؟" فرضیه ما این است که با توجه به افزایش اهمیت انرژی در اقتصادهای بین‌المللی و حضور فزاینده قدرت‌های دیگر در آسیای مرکزی، رقابت شدیدی در منطقه شکل گرفته است که می‌تواند کنترل و نفوذ روسیه بر کشورهای آسیای مرکزی را کاهش دهد و روسیه می‌تواند از طریق تقویت نهادگرایی در منطقه نفوذ خود را حفظ نماید.

واژگان کلیدی: روسیه، نفوذ اقتصادی، آسیای مرکزی، تجارت، انرژی، ایالات متحده و چین.

^۱ نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. Email: Atousagoodarzi@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران.

Email: Roohollahsalehi65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۲

مقدمه

زمانی که منطقه آسیای مرکزی از دهه ۱۸۶۰ تا ۱۹۱۷ تحت نفوذ اقتصادی امپراتوری روسیه بود کشورهای آسیای مرکزی دسترسی خوبی به بازارهای روسیه داشتند و سرمایه‌گذاری روسیه در این منطقه افزایش یافت. در این دوران آسیای مرکزی سعی کرد تا از انزوای اقتصادی و جغرافیایی اش رها شود. پیوندهای تجاری قوی ایجاد شدند. ایالات در قلمرو آسیای مرکزی مدرن تشکیل یافتند. با این حال، بیشتر استقلال خودشان را به ویژه در خصوص امور اقتصادی خارجی از دست دادند. همانطور که آسیای مرکزی پیوندهای اقتصادی خود با روسیه را تقویت کرد، ارتباط آن با کشورهای دیگر تضعیف شد. به طور کلی، زمانی که آسیای مرکزی بخشی از امپراتوری روسیه بود، منطقه در حال توسعه و صرفاً کشاورزی باقی ماند و کاربردش عمدتاً در زمینه تولید پنبه، ابریشم و پشم برای صنعت نساجی روسیه بود. مرحله دوم ادغام آسیای مرکزی با روسیه، از زمان تأسیس اتحاد جماهیر شوروی تا سال ۱۹۹۱ به طول انجامید که هم جنبه‌های مثبت و هم منفی داشت. از یک طرف، دوره اتحاد جماهیر شوروی زمان رشد اقتصادی بی سابقه‌ای هم برای روسیه و هم آسیای مرکزی بود. از سوی دیگر، کشورهای آسیای مرکزی خودشان را با برنامه متمرکز و کنترل توزیع همه منابع در چارچوب شرایط اقتصادی سخت نظام شوروی سابق محصور کردند. این یکپارچگی فوق العاده نزدیک در دوره اتحاد جماهیر شوروی در اقتصاد روسیه و آسیای مرکزی و دیگر کشورهای مستقل مشترک المنافع تا به امروز باقی مانده است (Paramonov and Strokov, 2006: 1-2).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی زمانی که روسیه به دنبال موقعیت خود در سطح بین‌المللی با هدف یکپارچه سازی با ساختارهای غربی بود، تمایل به همسایگان جنوبی آن بسیار کم شد. کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به عنوان یک مزاحم در نظر گرفته شدند که مسکو را محدود کرده اند، اما روس ها به نوبه خود، احساس تعهد می‌کردند تا مقداری از رهبری خود را در منطقه نشان دهند. در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، سیاست خارجی بوریس یلتسین به تدریج تمایل بیشتری به آسیای مرکزی نشان داد که این اقدام عمدتاً در واکنش به تلاش‌های این کشورها برای یافتن شرکای جدید در خارج از منطقه ضرورت داشت؛ به همین خاطر روسیه به اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ایالات متحده و چین به آرامی واکنش نشان داد. هنگامی که ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ به قدرت رسید روسیه افزایش روابط با جمهوری‌های آسیای مرکزی را در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داد. اگرچه یک استراتژی روشن

سیاست خارجی هرگز برای آسیای مرکزی تعریف نشد، اما خطر از بین رفتن منافع روسیه در این کشورها سبب شد تا اهمیت این منطقه برای مسکو در اولویت قرار بگیرد. بی‌توجهی به آسیای مرکزی در دهه ۱۹۹۰ سبب شد تا زمینه برای توسعه رقباتی دیگر در منطقه فراهم شود و این دوره گذار اهمیت آسیای مرکزی را برای روسیه آشکار ساخت. با این حال، روسیه هنوز هم دارای مزایای جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آشکاری در آسیای مرکزی است. روسیه نیاز دارد این دولت‌ها را مطمئن کند که وابستگی متقابل بین مسکو و این جمهوری‌ها به طور قوی باقی مانده است به خصوص حالا که بازیگران دیگر بیشتر مراقب اقدامات روسیه در خارج نزدیک هستند. روسیه در آسیای مرکزی با اقتصادهای کم درآمد همکاری می‌کند تا همچنان به عنوان قدرت برتر منطقه باشد. روسیه هنوز هم به طور مؤثر به عنوان محور روابط اقتصادی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی باقی مانده است (Boonstra, 2008:70-71).

امنیت انرژی به عنوان مهم‌ترین عامل حضور روسیه در منطقه است. انتقال انرژی منطقه از طریق خاک روسیه به بازارهای اروپایی سود سرشاری را برای دولت روسیه در بر دارد و تسلط بر منابع انرژی می‌تواند تسلط روسیه بر بخش عظیمی از انرژی جهان را تضمین کند و در شرایط کنونی که اهمیت انرژی در جهان در حال افزایش است، برتری یک کشور در عرصه انرژی به افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی هر چه بیشتر آن در روابط بین‌الملل می‌انجامد و روسیه سعی دارد در این کار پیشگام باشد تا بتواند با استفاده از اهرم انرژی اهداف خود را در جهان عملی کند. روسیه از بازیگران اصلی انرژی در جهان است و نقش انرژی را برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود مورد توجه قرار داده است. با توجه به محصور بودن آسیای مرکزی در خشکی، روسیه می‌تواند نقش مهمی در انتقال منابع انرژی از کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای جهانی به ویژه اتحادیه اروپا بازی کند. در این زمینه شرکت‌های بزرگ روسیه در سراسر آسیای مرکزی فعال هستند تا هر چه بیشتر بتوانند کنترل این منابع را در اختیار داشته باشند و از این اهرم برای فشار به سایر کشورها استفاده کنند (کولایی و اله مرادی ۱۳۹۰: ۳۲). در این مقاله سعی گردیده است تا مسائل کلیدی در تعامل اقتصادی میان روسیه و کشورهای آسیای مرکزی، تجارت بین روسیه و کشورهای آسیای مرکزی، سرمایه‌گذاری روسیه در کشورهای منطقه، سیاست‌های اقتصادی و استراتژی روسیه در مورد روابط با کشورهای منطقه و برخی ملاحظات در مورد تأثیر روابط

با کشورهای آسیای مرکزی بر توسعه اقتصادی روسیه و همچنین موانع نفوذ روسیه در آسیای مرکزی بررسی شوند. این پژوهش با استفاده از منابع اینترنتی، نشریات و مجلات تخصصی، بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است تا تصویر کاملی از نفوذ روسیه و کنترل بیشتر آن بر منابع انرژی در آسیای مرکزی ارائه دهد.

چارچوب نظری

نفوذ

نفوذ عبارت از رابطه میان بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی که خواست خود آنها نیست عمل کنند (دال، ۱۳۶۴: ۱).

منطقه نفوذ

منطقه نفوذ بخش قاطع و جدی راهبرد قدرتی بزرگ برای تولید، حفظ یا افزایش امنیت ملی است. منطقه نفوذ در سرنوشت سیاسی و اقتصادی یک قدرت بزرگ بسیار مهم است. قدرت‌های بزرگ به ویژه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای، معمولاً بخش مهمی از قدرت خود را از این مناطق به دست می‌آورند. گسترش منطقه نفوذ جنبه مهمی از تولید و ارتقای ملی است. چنین نگرش و سیاستی در روابط بین الملل در زمان رقابت قدرت‌های بزرگ استعماری در اوج خود بود. در روابط بین الملل قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند تا به گسترش تجارت در سرزمین‌های دیگر بپردازند و آنها را تحت نفوذ خود درآورند. به این گسترش تجاری که همراه با نفوذ سیاسی و گسترش ارضی است، «امپریالیسم» گفته می‌شود (فیضی، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۴). مناطق نفوذ را بر حسب تاریخ روابط بین‌الملل می‌توان به چند دوره تقسیم کرد. دوران موازنه قوا، دوران جنگ سرد، دوران تک قطبی و چند قطبی. در دوران موازنه قوا معمولاً پنج یا شش قدرت بزرگ شکل می‌گرفت و هر یک از قدرت‌ها مناطقی را به عنوان منطقه نفوذ شناسایی می‌کردند. هیچ قدرتی توانایی به چالش کشیدن قدرت دیگر را نداشت و به همین دلیل نفوذ چنان قدرتی را در مناطق مختلف به رسمیت می‌شناخت (Holsti, 1988:340-341). در دوران جنگ سرد با توجه به نفوذ شدید آمریکا و شوروی بر نظام بین‌الملل، مناطق نفوذ بین دو ابرقدرت تقسیم می‌شد و به خاطر ترس از جنگ هسته‌ای دو طرف منافع همدیگر را به رسمیت می‌شناختند. در این

زمان قدرت‌های بزرگ دیگر تحت عنوان متحدان ابرقدرت‌ها در راستای سیاست ابر قدرت می‌توانستند مناطقی را به عنوان منطقه نفوذ در اختیار بگیرند (Keal, 1983:155-172). در دوره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا اصرار جدی به داشتن مناطق نفوذ اقتصادی داشت و در چارچوب سیاست اقتصادی خود با عنوان «تجارت آزاد» درگیر جنگ‌های تجاری بود تا سهم بیشتری از تجارت را به دست آورد. در این دوره آمریکا سعی می‌کرد تا با مداخله‌گرایی یکجانبه در هر جایی درگیر شود و قدرت خود را در جهان افزایش دهد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روسیه با عملیات آمریکا در آسیای مرکزی موافقت کرد و برای مبارزه با تروریسم دست آن کشور را برای ایجاد پایگاه نظامی در این منطقه بازگذاشت، اما پس از آن حوزه نفوذ و منافع خود را به تدریج در قالب خاصی معرفی کرد. با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، روسیه خود را به عنوان قدرت بزرگ خود اتکا با قابلیت جهانی اعلام کرده است. روس‌ها به دلیل داشتن منافع استراتژیک در جمهوری‌های سابق شوروی در پی باز تعریف نقش خود پس از جنگ سرد برآمدند و نشان دادند که در دوران تک قطبی تلاشی بیش از این نمی‌توانند انجام دهند (Holsti, 1988:342).

دولت‌ها برای تأمین اهداف و منافع سیاست خارجی خود در نظام بین الملل از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند. ابزارهایی چون دیپلماسی، اقتصاد، فرهنگ و قدرت نظامی در سیاست خارجی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند تا دولت‌ها بتوانند منافع بیشتری در نظام بین الملل به دست آورند و از این طریق بتوانند سیاست‌های خودشان را به پیش ببرند (قوام، ۱۳۸۵: ۲۰۸-۲۰۶).

یکی از عوامل مؤثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق اهداف و تأمین منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و فناوری است. دولت استفاده کننده از این حربه، سعی می‌کند دیگر دولت‌ها را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی شان وادار کند. به گونه‌ای که دگرگونی‌های حاصل در داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی آورد. (رونوون و دوروزل، ۱۳۵۴: ۹۸-۸۷). امروزه حربه اقتصادی به اشکال گوناگون، از جمله اعطا و یا عدم اعطای وام، صدور تکنولوژی و یا خودداری از آن، تحریم تجاری و بازرگانی، محاصره اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌ها، افزایش و یا کاهش تعرفه‌های گمرکی، مشارکت و یا عدم مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (منصفی، ۱۳۵۸: ۲۹۹). ابزار نظامی نیز به عنوان آخرین حربه برای

ایجاد فشار در سایر کشورها است. دولتی که از ابزار نظامی در سیاست خارجی استفاده می‌کند در صدد است تا از طریق تحت فشار قرار دادن دولت مورد نظر او را وادار کند تا در الگوهای رفتاری سیاست خارجی خود از لحاظ اهداف و منافع ملی و نیز داده‌های جهت‌گیری سیاست خارجی تجدید نظر اساسی به عمل آورد (Rosen, 1977:283-312).

سیاست روسیه در آسیای مرکزی

سیاست خارجی روسیه در قبال جنوب، چه در گذشته و چه در حال حاضر در روند طبیعی روابط متقابل کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و خاورمیانه صورت گرفته است. آسیای مرکزی و قفقاز که در عرصه منافع ژئوپلیتیک روسیه قرار گرفته‌اند دو جزء ژئواستراتژیک این کشور هستند که موجب تحکیم مرزهای جنوبی روسیه می‌شوند. روسیه در شرایط جدید می‌کوشد اگر نتواند تنها قدرت با نفوذ و تعیین‌کننده منطقه باشد، دست کم از قدرت‌های با نفوذ و تأثیرگذار منطقه به شمار آید. ساختارهای داخلی جمهوری‌ها، پیوستگی عرصه انرژی، حمل و نقل و حضور میلیون‌ها روس در کشورهای مستقل همسود مزیت‌هایی است که روس‌ها از آن برخوردار هستند (Woo, 2002: 97). رهبران روسیه با اشاره به واقعیت‌های جهان پس از جنگ سرد، بر ضرورت تقویت و تحکیم روابط خود و جمهوری‌های پیرامون تأکید می‌کنند. اموال نظامی و تأسیسات دفاعی روسیه، روس‌تبارهای «خارج نزدیک» و پیوندهای اقتصادی عمیق و گسترده، حساسیت جدی روسیه را نسبت به مسایل مناطق پیرامون خود شدت بخشیده است (Hill, 2004:39). تمایل برای همگرایی دوباره و احیای روابط اقتصادی از هم‌گسسته بر اساس منطق قواعد اقتصادی هم‌مورد توجه قرار گرفته است. روسیه با درک این الزام و ملاحظات امنیتی - سیاسی خود در آسیای مرکزی در پی بهره‌گیری از اهرم‌های اقتصادی در «خارج نزدیک» است. روسیه، آسیای مرکزی را به عنوان یکی از اولویت‌های مهم سیاست خود در نظر دارد. مفهوم "خارج نزدیک" و آیین مونروئه روسی به خوبی اهمیت این منطقه را برای روسیه نشان می‌دهد. اسنادی در این رابطه تصویب شده که بر توجه به منافع روسیه، حفظ پایگاه‌های نظامی و حق یک‌جانبه دخالت در امور داخلی کشورهای آسیای مرکزی تأکید کرده است (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۴۱). با آغاز به کار ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، مشی سیاست خارجی این کشور در جهت فعال‌تر کردن جهت‌گیری به سوی آسیای مرکزی آشکار شد. تاکتیک

دیپلماسی روسیه نیز تغییر کرد. روسیه بر توسعه همکاری‌های دوجانبه با کشورهای منطقه و همگرایی با سرعت و به شیوه‌های گوناگون با کشورهای منطقه تأکید کرد (Ahrari and Beal, 2004:47). دولت روسیه برای تقویت قدرت و توجیه نفوذ خود در آسیای مرکزی سه دلیل می‌آورد:

۱- روسیه خود را وارث اتحاد جماهیر شوروی می‌داند و هر گونه نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در حوزه پیشین اتحاد جماهیر شوروی به عنوان بخشی از منطقه خارج نزدیک خود بر نمی‌تابد؛

۲- با وجود فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سرنوشت اقتصاد روسیه در بسیاری از موارد با این جمهوری‌ها پیوند خورده است و هرگونه دگرگونی در این کشورها می‌تواند بر اقتصاد روسیه اثر خوب یا بد بگذارد؛

۳- منطقه آسیای مرکزی از نظر استراتژیک حوزه امنیتی روسیه شمرده می‌شود و حضور قدرت‌های بیگانه در آن خواه ناخواه بر امنیت روسیه تأثیرگذار است. بنابراین می‌توان گفت که روسیه با وجود تمام موانع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و امنیتی برای بهره‌برداری از انرژی این منطقه، توانسته تا حدی ابتکارهای خود را عملی کند و از این رو، آرایش نیروها در پهنه شطرنج این منطقه را به گونه‌ای نسبی به سود خود رقم بزند (دیلمی معزی، ۱۳۸۷: ۷۳-۶۶).

منافع روسیه در آسیای مرکزی

روسیه منافع اقتصادی، امنیتی و سیاسی قابل توجهی در آسیای مرکزی دارد. روسیه به دنبال پایان دادن به تهدیدات فراملی از جمله قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، جرایم فراملی و تروریسم است که از آسیای مرکزی نشأت می‌گیرد. روسیه برای نگه داشتن جمهوری‌های آسیای مرکزی در حوزه نفوذ خود، حضور فعال خود را در آسیای مرکزی حفظ کرده است. برای این منظور، روسیه موافقت‌نامه‌های مختلفی را با کشورهای منطقه برای استقرار نیروهای نظامی و اجاره پایگاه‌های خود امضاء کرده است (Kaczmariski, 2006:10-11). منافع بلندمدت روسیه در آسیای مرکزی بسیار روشن و بدون ابهام است. روسیه می‌خواهد ثبات در آسیای مرکزی را برای جلوگیری از هر گونه اثرات خارجی حفظ کند. درگیری‌ها در آسیای مرکزی یک خلاء قدرت را ایجاد خواهد کرد که می‌تواند چالش‌های امنیتی برای روسیه را افزایش

دهد. ثبات در آسیای مرکزی نیز یک پیش شرط برای هموار کردن واردات نفت و گاز از آسیای مرکزی است. روسیه می خواهد تا جمهوری های آسیای مرکزی را در حوزه نفوذ خود نگه دارد تا از همکاری آنها نه تنها در تأمین انرژی، بلکه در مناطق دیگر که اهمیت استراتژیک دارند اطمینان حاصل کند. اتصال خطوط لوله نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی با دیگر کشورهای منطقه مانند ترکیه، پاکستان، ایران و چین، جمهوری های آسیای مرکزی را با این کشورهای منطقه یکپارچه خواهد کرد که این به منافع استراتژیک و اقتصادی دراز مدت روسیه صدمه خواهد زد. به عنوان مثال، اگر کشورهای آسیای مرکزی در انتقال منابع انرژی خود از طریق ترکیه، پاکستان و یا ایران موفق شوند درآمدهای عظیمی کسب کنند، این سرمایه ها را در ایجاد اقتصادهای مستقل و پایدار خودشان به کار خواهند گرفت و سپس وابستگی آنها به روسیه کاهش خواهد یافت. روسیه در راستای بخشی از استراتژی بلند مدت، می خواهد تا با هر گونه نفوذ توسط ایالات متحده و همچنین نهادهای تحت نفوذ ایالات متحده مثل ناتو و قدرت های منطقه ای مقابله کند. روسیه در تلاش است تا با افزایش نفوذ خود بر منابع انرژی آسیای مرکزی، آرایش نیروهای نظامی خود در منطقه و همچنین تقویت بلوک های منطقه ای موافق روسیه همچنان هژمونی خود بر منطقه را حفظ کند.

سیاست اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی

در حوزه اقتصادی، روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از الگوهای تجاری عصر شوروی و روابط دوستانه با کشورهای منطقه خارج شد. در اوایل فروپاشی شوروی، اقتصاد روسیه در هرج و مرج بود و تا ۱۹۹۷ این بحران ادامه داشت و بازیگران اقتصادی جدیدی در منطقه ظاهر شدند و روسیه توانایی طرح ریزی برنامه برای افزایش نفوذ اقتصادی خود در خارج از مرزهای کشور را نداشت (Rutland, 2003:4). در حال حاضر دولت روسیه بیش از هر بازیگر خارجی دیگر، درباره تحولات در آسیای مرکزی نگران است. اهداف اقتصادی مسکو شامل این امر است که مطمئن شود شرکت های روسی در توسعه منابع طبیعی منطقه مشارکت خواهند کرد و هم اینکه صادرکنندگان نفت و گاز آسیای مرکزی همچنان به استفاده از خطوط لوله روسیه متمایل هستند (Frederick, 2005: 11).

در حال حاضر شرکت‌ها و گروه‌های تجاری روسیه، بسیاری از زیرساخت‌های حمل و نقل نفت، گاز و برق آسیای مرکزی را کنترل می‌کنند. شرکت‌های روسی از جمله لوک‌اویل^۱، گازپروم^۲، و شبکه‌های متحد انرژی^۳ به شدت در تولید انرژی‌های مختلف و پروژه‌های حمل و نقل در آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. روسیه همچنین می‌تواند از انحصار خط لوله خود بهره‌برداری کند تا کشورهای عرضه‌کننده را از صدور فرآورده‌های انرژی منع کند، همان‌گونه که گازپروم در سال ۱۹۹۷ در خصوص گاز طبیعی ترکمنستان انجام داد (*Information Administration, 2006 Energy*). استاندارد نسبتاً بالاتر زندگی در روسیه، میلیون‌ها نفر از مهاجران غیرقانونی را که عمدتاً از آسیای مرکزی هستند به بازارهای کار روسیه، به ویژه در صنعت ساختمان‌سازی جذب می‌کند. وجوه ارسالی آنها یک سهم اساسی را در تولیدات ناخالص ملی کشورهای مبدأ ایجاد می‌کند که این عامل دلیل دیگری است تا آنها در طرف روسیه باقی بمانند. در نهایت، نوسانات اخیر در قیمت‌های جهانی نفت و گاز بازخیز عمده‌ای از سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی روسی در آسیای مرکزی را تسهیل کرده است (*Bruce, 2004*).

ابزارهای نفوذ روسیه در آسیای مرکزی

۱. اهرم تجارت

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ منجر به تضعیف روابط اقتصادی میان فدراسیون روسیه و کشورهای آسیای مرکزی شد. در سال ۱۹۹۲، گردش کالا بین روسیه و آسیای مرکزی نسبت به سال ۱۹۹۱، ده برابر کاهش یافت و در یک سطح نسبتاً پایین (۶ تا ۹ میلیارد دلار در سال) تا سال ۱۹۹۸ باقی ماند. پس از بحران مالی و اقتصادی در روسیه، گردش معاملات کالا در سال ۱۹۹۹ به ۴۵٫۶ درصد از سطح سال ۱۹۹۶ کاهش یافت؛ این درصدی واردات به ۶۵٫۸ درصد از سطح سال ۱۹۹۶ رسید. از سال ۲۰۰۰، روابط تجاری دچار رکود بود و تنها در سال ۲۰۰۳ با شدت بیشتری آغاز شد. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ گردش

^۱. Lukoil

^۲. Gazprom

^۳. United Energy Systems

معاملات کالا ۵,۲ برابر رشد یافت و تقریباً به ۴۰ میلیارد دلار رسید. از این میزان، صادرات از روسیه ۴,۵ برابر افزایش یافت، در حالی که واردات به روسیه ۶,۲ برابر رشد داشت که بیشتر به خاطر خرید گاز طبیعی از کشورهای منطقه بود. در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹، گردش مالی تجارت دو جانبه به طور قابل توجهی کاهش یافت (حدود ۲۰ درصد) که این امر به دلیل بحران اقتصادی و مالی جهانی بود. صادرات روسیه ۲۸ درصد و واردات از کشورهای آسیای مرکزی حدود ۱۲ درصد کاهش داشت. در طول دوره پس از بحران، حجم معاملات تجاری رشد یافت و در سال ۲۰۱۱ با توجه به برآوردهای اولیه به سطح سال ۲۰۰۸ رسید. اگرچه در این زمان نسبت ماشین آلات، تجهیزات و سایر محصولات فنی در ساختار وارداتی روسیه از کشورهای آسیای مرکزی کم است، اما بازارهای روسیه و دیگر اقتصادهای کشورهای مستقل مشترک المنافع هنوز هم نقش مهمی در توسعه صنایع فناوری آسیای مرکزی بازی می‌کند. با توجه به داده‌های آماری ملی کشورهای مستقل مشترک المنافع در سال ۲۰۱۱، ۷۳,۸ درصد از کل صادرات قزاقستان ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل را شامل می‌شد در حالی که سهم کشورهای دیگر فقط ۲۶,۲ درصد بود. روسیه تقاضای خود را برای سرمایه‌گذاری در زمینه کالاهای مصرفی با کیفیت بالا که کشورهای آسیای مرکزی در شرایط کنونی نمی‌توانند آنها را از خارج دور وارد کنند عملی کرده است (Sitinsina, 2012:17). در برخی موارد، روسیه منابع اولیه برای منطقه را در ازای واردات گاز طبیعی تأمین می‌کند. به استثنای ازبکستان و ترکمنستان، کشورهای آسیای مرکزی برای سوخت و منابع مواد خام به روسیه وابسته هستند. صنعت گاز ترکمنستان منبع عمده‌ای از درآمدهای خارجی است؛ اما ترکمنستان در زمینه حمل و نقل نفت و گاز از طریق خاک روسیه و همچنین به تجهیزات روسی برای تولید گاز و حمل و نقل به روسیه وابسته است. ازبکستان به روسیه الیاف پنبه، گاز طبیعی، تنگستن و کنسانتره ارسال می‌کند و در عوض از روسیه آلومینیوم و مواد خام برای صنایع آهن و فولاد خود دریافت می‌کند. در دهه ۲۰۰۰، سهم واردات مواد خام و کشاورزی روسیه از کشورهای آسیای مرکزی با رشد چشمگیر اهمیت سوخت‌های فسیلی کاهش یافت. سهم محصولات انرژی در ساختار کالاهای وارداتی روسیه از کشورهای آسیای مرکزی از ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۶۱ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت در حالی که درصد واردات مواد خام کشاورزی شش برابر کاهش یافت و مواد غذایی، سنگ معدن و فلزات دو برابر کاهش داشت. در این دوره همچنین شاهد افزایش نسبی در سهام مواد شیمیایی و

واردات نساجی، آهن و فولاد، ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل و در نتیجه رشد قابل توجه واردات هم در نوع و هم در ارزش هستیم (*Ibid: 12-15*).

در پایان اول قرن بیست و یکم، آزادسازی قابل ملاحظه‌ای از نظام تجاری در روسیه مشخص شده بود. در سال ۲۰۰۸، روسیه سطح نسبتاً بالایی از تعرفه خارجی را حفظ کرد که مزایای واقعی را برای شرکای کشورهای مستقل مشترک المنافع ایجاد کرد. به طور متوسط، تعرفه واردات در فدراسیون روسیه، ۱۱ درصد بود و این رقم در تاجیکستان ۸ درصد، در قزاقستان ۶ درصد و در قرقیزستان کمتر از ۵ درصد بود. تا سال ۲۰۱۰، شرایط به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر کرد و روند به سوی همگرایی بین سطح حفظ تعرفه کشورها به مسئله آشکاری تبدیل شد. میانگین حفظ تعرفه خارجی در روسیه به ۹٫۵ درصد کاهش یافت در حالی که در قزاقستان رشد قابل ملاحظه‌ای داشت. نسبت بخش‌های معاف از حقوق گمرکی واردات غیرکشاورزی به روسیه نیز افزایش یافت در حالی که در قزاقستان قراردادی شد. در روسیه تعرفه واردات بر روی محصولات مهندسی و الکترونیکی به طور قابل توجهی در یک دوره کوتاه مدت، کاهش یافته بود. کاهش حفظ تعرفه در روسیه که در نتیجه دسترسی به سازمان تجارت جهانی است، شرایطی را برای کشورهای آسیای مرکزی ایجاد خواهد کرد که آنها مجبور می‌شوند، رقابت محسوس‌تری را در بازار روسیه تجربه کنند (*Poshliny, 2012 Novye*).

۲. اهرم انرژی

تجارت روسیه با کشورهای آسیای مرکزی به وضوح تحت الشعاع مسائل انرژی قرار گرفته است. حضور روسیه در بخش انرژی آسیای مرکزی به طور پیوسته از دهه ۹۰ میلادی افزایش یافته است (*Paramonov and Strokov, (a) 2008:2*). هدف روسیه در چارچوب آیین سیاست انرژی، بازیابی نقش ابرقدرتی خود در نظام بین الملل با استفاده از منابع انرژی است. روسیه در پی آن است که با توسعه زیرساخت‌های صادراتی در قلمرو خود وابستگی خود را به انتقال انرژی از دیگر کشورها کاهش دهد. هدف استراتژیک روسیه کنترل صادرات انرژی از کشورهای اوراسیای مرکزی به بازارهای بین المللی برای بازسازی جایگاه ابرقدرتی خود است (*Woo, 2002:97*). مشارکت فعال روسیه در کشورهای آسیای مرکزی برای ثبات خود و هموار کردن واردات انرژی از آسیای مرکزی بسیار مهم است. صادرات ناشی از

درآمدهای نفت و گاز حدود ۶۰ درصد از درآمدهای بودجه فدراسیون روسیه و دو سوم کل صادرات آن کشور است (Walker, 2007).

روسیه هنوز بر تولید انرژی در آسیای مرکزی حضور مسلط دارد، اما زمانی که روسیه اعلام کرد در راستای قیمت‌های جهانی انرژی در سال ۲۰۰۸ حرکت خواهد کرد توانایی‌اش برای تنظیم سیاست‌های قیمت‌گذاری، توقف عرضه، ایجاد تهدیدات آشکار و استفاده از بدهی‌ها برای نفوذ بیشتر محدود گردید (Nixey, 2012:12). به‌رغم این حقیقت که روسیه دارای منابع غنی نفت و گاز است، مقادیر عظیمی از نفت و گاز را با قیمت‌های پایین از کشورهای آسیای مرکزی وارد می‌کند و آنها را به بازارهای سودآور اروپا صادر می‌کند. روسیه با بهره‌برداری از موقعیت خود به عنوان یک کشور ترانزیت برای تأمین انرژی به اروپا، موافقت‌نامه‌های مختلفی با کشورهای آسیای مرکزی در زمینه انرژی امضا کرده است. از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰، روسیه گاز ترکمنستان را خریداری نکرد زیرا گازپروم شرکت عظیم انرژی روسیه (که ۲۰ درصد از گاز جهان را معامله می‌کند) فکر می‌کرد خرید آن بر اساس قیمت‌های خواسته شده توسط ترکمنستان بی‌فایده است. در اختلاف با ترکمنستان، مسکو خطوط لوله ترکمنستان را که به بازارهای اروپایی جریان داشت در سال ۱۹۹۷ قطع کرد. در سال ۲۰۰۳ شرایط موجود، ترکمنستان را مجبور کرد تا یک توافق ۲۵ ساله با گازپروم به منظور صادرات گاز از سوی روسیه به اوکراین و اروپا امضا کند، اما این توافق‌نامه کمی بیش از یک سال تداوم نیافت؛ زیرا عشق آباد عرضه گاز را قطع و تلاش کرد تا قیمت‌های بالاتری از انرژی را به دست آورد. در سپتامبر ۲۰۰۶، گازپروم توافق کرد تا برای تحویل گاز ترکمنستان قیمت گاز را با ۵۰ درصد افزایش با هزینه ۱۰۰ دلار برای هر ۱۰۰۰ متر مکعب خریداری نماید. قیمت توافقی قبل ۶۵ دلار برای هر ۱۰۰۰ متر مکعب بود. در مقابل، گازپروم دسترسی به میدان گازی یولوتان^۱ ترکمنستان را به دست آورد. گازپروم همچنین عملاً کنترل مسیرهای صادراتی ترکمنستان و ذخایر مازاد تا سال ۲۰۰۹ را به دست آورد. در سال ۲۰۰۲ گازپروم و شرکت گاز قزاقستان^۲ قراردادی امضا کردند تا عرضه گاز از ترکمنستان و ازبکستان را از طریق قزاقستان به روسیه افزایش دهند و چنانکه احتمال داشته باشد آن را به اروپا صادر کنند. در سال ۲۰۰۴ نیز، شرکت نفت لوک اویل روسیه با ازبکستان

^۱. Yolotan

^۲. Kazmunaigaz

یک توافق‌نامه اشتراک تولید^۱ به ارزش یک میلیارد دلار به مدت ۳۵ سال امضا کرد تا ذخایر گاز طبیعی ازبکستان را توسعه دهد. بر اساس توافق‌نامه اشتراک تولید، لوک اوایل توافق کرد تا میدان‌های گازی کاندیم^۲، خایوزاک^۳ و شادی^۴ را در جنوب ازبکستان توسعه دهد. لوک اوایل در آن پروژه یک سهم ۹۰ درصدی را از شرکت نفت و گاز ازبک که یک شرکت گاز بومی ازبک است به دست آورد. در آوریل ۲۰۰۴، گازپروم همچنین یک قرارداد با ازبکستان امضا کرد تا ۲۰۰ میلیون دلار برای توسعه ذخایر گاز طبیعی ازبکستان تامین کند (Bhatty, 2008:49-50).

با این حال، نگاه به آسیای مرکزی به معنی توجه بر کشورهای تأمین‌کننده نفت و گاز و برجسته کردن اهرم استراتژیک در تجزیه و تحلیل‌ها است. جالب است تا این وضعیت را با نقاط دیگری از کشورهای مستقل مشترک المنافع که عمدتاً توسط اهرم انرژی روسیه در یک دیدگاه تاکتیکی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، مقایسه کنیم. توقف عرضه منابع انرژی به شدت با شرایط و حوادث سیاسی مرتبط است (Larsson, 2007:47). به طور خاص‌تر، منطقه آسیای مرکزی به استثنای قرقیزستان و تاجیکستان در دسترسی به خطوط لوله به منظور صادرات منابع نفت و گاز خود به بازارهای جهانی وابسته به روسیه هستند (Hedenskog and Larsson, 2007:57). امروزه انرژی آسیای مرکزی دو هدف برای روسیه دارد: اول، اینکه می‌تواند با سود به قیمت بازار به طرف‌های ثالث فروخته شود و دوم، بستر منابع ملی روسیه را حفظ می‌کند (Ibid:29). در نوامبر ۲۰۰۷، گازپروم دوباره در زمینه قیمت گاز تجدید نظر کرد و توافق کرد تا ۱۳۰ دلار برای هر ۱۰۰۰ متر مکعب گاز ترکمن و ازبک پرداخت کند. ترکمنستان سالانه حدود ۵۰ میلیارد متر مکعب گاز به روسیه صادر می‌کند. صادرات گاز طبیعی به روسیه حدود ۸۵ درصد از گاز ترکمنستان برآورد شده است. روسیه آن را به قیمت‌های بالاتر به اوکراین می‌فروشد (Boucek, 2007).

¹ . Production Sharing Agreement

² . Kandym

³ . Khausak

⁴ . Shady

۳. اهرم سرمایه‌گذاری

در دهه ۹۰ میلادی سرمایه‌گذاری روسیه به طور عمده در قزاقستان آن هم در خط لوله نفت "تنگیز _ نووروسییسک"^۱ و افتتاح میدان میعانات گازی "کاراچاقاناک"^۲ بود. منافع روسیه در دیگر کشورهای آسیای مرکزی در سطح پایینی بود. با به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ و افزایش مداوم قیمت‌ها برای هیدروکربن‌ها، توجه مسکو به منطقه آسیای مرکزی افزایش یافت. در نتیجه، افزایش قابل توجه فعالیت روسیه و شرکت‌های نفت و گاز روسیه نه تنها در قزاقستان، بلکه در ترکمنستان و ازبکستان رخ داد. علاوه بر این، روسیه توجه بیشتری به دو کشور دیگر آسیای مرکزی یعنی قرقیزستان و تاجیکستان داشته است تا منافع بیشتری را بدون توجه به منابع کم نفت و گاز در این کشورها به دست آورد. با این حال، پروژه و فعالیت سرمایه‌گذاری همه کشورهای آسیای مرکزی در بخش‌های نفت و گاز روسیه بسیار پایین است. تنها مورد استثناء، پروژه روسیه و قزاقستان در اورنبورگ روسیه است که مرکز تسهیل فراوری گاز برای تولید مواد خام قزاقستان و فروش مشترک گاز طبیعی در بازارهای خارجی است. در پایان سال ۲۰۰۷، حجم کل سرمایه‌گذاری روسیه در بخش نفت و گاز در کشورهای آسیای مرکزی بین ۴ تا ۵٫۲ میلیارد دلار بود. بیشترین سهم (به ترتیب ۸۰ تا ۸۵ درصد) در قزاقستان متمرکز است (از حدود ۳٫۴ تا ۴ میلیارد دلار) (*Paramonov and Strokov (b), 2008:1-2*). داده‌های موجود نشان می‌دهد که جریان‌های سرمایه‌گذاری میان روسیه و کشورهای آسیای مرکزی به طور مداوم در حال رشد است. در عین حال، مقدار واقعی این همکاری هنوز کم می‌باشد، البته تعامل نسبتاً قابل ملاحظه‌ای را می‌توان در روابط روسیه و قزاقستان مشاهده کرد. در قزاقستان و قرقیزستان که آمارهای ملی در دسترس هستند، سهم روسیه در کل سهام سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافته است، اما هنوز در مقایسه با سهم آن در گردش مالی تجارت خارجی در حد پایین باقی مانده است. با توجه به آمارهای آژانس ملی قزاقستان، روسیه در میان شرکای خارجی از نظر رتبه بندی در رده ششم قرار دارد که تنها ۳٫۷ درصد از کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این کشور در سال ۲۰۱۰ بود که ۰٫۶ درصد کمتر از میزانی است که در سال ۲۰۰۷ بود.

^۱. *Tengiz-Novorossiysk*

^۲. *Karachaganak*

با توجه به افزایش سهام سرمایه گذاری مستقیم خارجی در قزاقستان، روسیه با سهم خود به میزان ۱,۴ درصد (۳,۵ میلیارد دلار) حتی یکی از ده شریک خارجی برتر قزاقستان در سال ۲۰۱۰ نیز نبود. با این حال، حدود ۶۰۰۰ شرکت وجود دارند که با سرمایه روسی در قزاقستان فعال هستند که بیش از سایر مناطق در خارج از روسیه پس از دوره شوروی است. این به دلیل تلاش ها و همکاری های زیاد دولت ها نیست، بلکه به خاطر شرکت هایی از مناطق مرزی است که نقش خاصی را در این رابطه بازی می کنند در قزاقستان آنها بیش از دو پنجم از کل حجم معاملات تجاری با روسیه را در اختیار دارند (Sinitsins, 2012:28).

همچنین در نیمه دوم قرن بیست و یکم، روسیه در قرقیزستان رتبه پنجم را در کل جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی داشت و تنها در سال ۲۰۱۰ بود که روسیه مکان دوم را بعد از کانادا (۲۰۵,۴ میلیون دلار) با همین میزان در اختیار گرفت. این امر احتمالاً به خاطر کمک نسبتاً زیاد دولت روسیه برای ترمیم اقتصاد قرقیزستان بعد از حوادث آوریل و جولای ۲۰۱۰ بود (National Statistical Committee of Kyrgyz, 2011).

سرمایه گذاری روسیه در آسیای مرکزی عمدتاً در تولید منابع انرژی به ویژه نفت و گاز طبیعی متمرکز شده است. اگرچه در این زمینه اطلاعات دقیقی وجود ندارد، اما حجم سرمایه گذاری های روسیه در این بخش در دوره قبل از بحران (۲۰۰۶) در سطح نسبتاً کمی (۴ تا ۵ میلیارد) (در مقایسه با سایر بازیگران بین المللی) برآورد شده که ۸۰ درصد آن در قزاقستان و ۱۰ درصد در ازبکستان سرمایه گذاری شده بود. قبل از بحران پیش بینی گردید که شرکت های روسی حضور مالی خود در آسیای مرکزی را که بیشتر در توسعه زیرساخت های حمل و نقل و لجستیک است به ۱۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۲ افزایش دهند (Sinitsina, 2012:30).

در قرقیزستان و تاجیکستان، سرمایه گذاری خارجی توسط شرکت های انرژی روسیه (عمدتاً توسط گازپروم) که در واقع انحصار بازارهای تولید نفت در کشورهای آسیای مرکزی را در اختیار دارد، انجام شده است (Balaev, 2012). علاوه بر این در سال ۲۰۱۰، گازپروم اکتشاف در سه سایت تاجیکستان یعنی سارگازون^۱، شامبری غربی^۲ و ساری کامیش^۳ را آغاز کرد و در سال ۲۰۱۱ اکتشاف در دو میدان نفت و گاز کوگارت^۴ و مایلوسای آی وی^۱ در قرقیزستان شروع

¹. Sargazon

². Western Shaambary

³. Sarykamysh

⁴. Kugart

نمود (Gazprom, 2011) به طور کلی، سرمایه‌گذاری تجاری روسیه در آسیای مرکزی توسط سرمایه‌گذاری‌های ناکافی در تولید و صنایع با ارزش افزوده بالا مشخص شده است؛ اگرچه این امر صادرات مواد اولیه به خصوص از کشورهای آسیای مرکزی را تقویت می‌کند ولی در درازمدت بر خلاف منافع اقتصادی بلند مدت روسیه به پیش می‌رود (Sinitsina, 2012:36).

برعکس در ازبکستان و تاجیکستان، روسیه مقام اول (یا یکی از اولین) سهام انباشته شده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را دارد. بر اساس آژانس آماری تاجیکستان، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ شرکت‌های روسی به طور مستقیم بیش از ۳۸۰ میلیون دلار در اقتصاد تاجیکستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و بیش از ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه ثبت شده روسیه در تاجیکستان وجود دارد (Safarov, 2002). از طرفی، سهام روسیه در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ازبکستان در سال ۲۰۰۹ از ۶۰۳ میلیون دلار به ۶۸۸ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است (RF Ministry of Economic Development, 2012). از طرفی، شرکت لوک اویل از سال ۱۹۹۵-۲۰۱۰ بیش از ۶ میلیارد دلار در اقتصاد قزاقستان سرمایه‌گذاری کرده است. در حال حاضر، قزاقستان حدود ۴۰ درصد از ذخایر اثبات شده شرکت لوک اویل را تشکیل می‌دهد (Lukoil, 2011).

همچنین روسیه در بخش انرژی هسته‌ای جمهوری‌های آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری می‌کند. در فوریه سال ۲۰۰۲، روسیه پیشنهاد کرد تا طرح ساخت یک نیروگاه هسته‌ای در بالخاش^۱ حدود ۴۰۰ کیلومتری شمال آلماتی را احیا کند. در ژوئیه ۲۰۰۶، روسیه و قزاقستان موافقت کردند تا سه پروژه مشترک استخراج و غنی‌سازی اورانیوم را به عنوان یک سرمایه‌گذاری برای شروع تولید جدیدی از رآکتورهای هسته‌ای برای مصارف داخلی و صادرات را آغاز کنند. کل هزینه برای این سرمایه‌گذاری در حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است. در واقع، روسیه با توسعه بخش انرژی هسته‌ای کشورهای آسیای مرکزی در حال حفاظت از منافع خود است. اگر تولید انرژی هسته‌ای کشورهای آسیای مرکزی افزایش یابد انرژی در بازارهای داخلی کشورهای آسیای مرکزی بیشتر خواهد شد (Sultankhan, 2008:51-52).

روش‌های نفوذ روسیه در آسیای مرکزی

^۱. Mailuu-Sai-IV

^۲. Balkhash

روس‌های ساکن در منطقه

در دوره پوتین، ملی‌گرایی روسی به یک نیروی قوی در سیاست داخلی و خارجی تبدیل شد. سیاست خارجی روسیه می‌توانست به طور قاطع از منافع روس‌ها در خارج از کشور دفاع کند و یا حداقل با کارت روس‌های خارج کشور در روابط بین‌الملل بازی کند. تلاش‌های مسکو برای اعمال نفوذ بیشتر در مناطق مرزی جنوب که بزرگترین چالش امنیتی را برای روسیه دارد، اهمیت بالقوه جماعت روس‌ها را به عنوان یک ابزار سیاسی بالا می‌برد (Ziegler Charles E. 2006:103).

در سال ۱۹۸۹، جمعیت روس‌ها در آسیای مرکزی عبارت بودند از: ۵۹ درصد در آلماتی، ۵۶ درصد در بیشکک، ۳۲ درصد در عشق‌آباد، ۳۳ درصد در دوشنبه و ۳۴ درصد در تاشکند. تسلط روسیه در این پایتخت‌ها تضمین می‌کند که چاپ و نشر، فرهنگ، علوم و حکومت همگی تحت تسلط زبان روسی قرار خواهند گرفت (Guboglo, 1991:1-42). در سراسر آسیای مرکزی روس‌ها بر روشنفکران، بخش‌های سیاسی و اقتصادی، آموزش و پرورش و ارتش تسلط پیدا کرده‌اند (Brubaker, 1996:32-35). روس‌های خارج از کشور فرصت‌های معقولانه‌ای را برای سیاست خارجی مسکو، تهدیدات حداقل برای کشورهای میزبان و به طور گسترده منافع اقتصادی تحقق نیافته برای دولت روسیه فراهم می‌کنند (Dannreuther, 2001:245-258). در زمینه‌های اقتصادی، روس‌های ساکن در خارج می‌توانند نقش مهمی را برای روسیه ایفا کنند. به طور مطلوب، جماعت خارج از کشور می‌تواند بهترین کمک را به تجدید حیات روسیه از طریق فراهم کردن روابط تجاری، سرمایه‌گذاری و وجوه ارسالی داشته باشد (Ziegler, 2006:119). از طریق روابط تجاری، روس‌ها در آسیای مرکزی می‌توانند همبستگی با فدراسیون روسیه را حفظ و تقویت کنند و هدف بزرگتر سیاست خارجی یعنی یکپارچگی اقتصادی بین روسیه و جمهوری‌های سابق را به پیش ببرند (Zardykhan, 2004:70-72).

سازمان همکاری شانگهای

از نقطه نظر روسیه، نقش سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی دو بخش است. از یک طرف از طریق سازوکار سازمان همکاری شانگهای روسیه سعی دارد، رشد نفوذ اقتصادی چین در آسیای مرکزی را مهار کند و یک حالت قابل قبولی از همزیستی

منطقه‌ای با چین پیدا کند. از سوی دیگر، روسیه یک کانال مشروع از نفوذ منطقه‌ای چینی ایجاد کرده است که کمک می‌کند تا بر ترس‌های سنتی و بیگانگی بین مردم آسیای مرکزی و چینی‌ها غلبه کند (Iskalyev, 1995:66).

رویکرد عمل‌گرایانه ولادیمیر پوتین به روابط با آسیای مرکزی و ایجاد سازمان همکاری شانگهای به طور موثر نفوذ روسیه در این جمهوری‌ها را تقویت کرده است. با هماهنگ کردن خود با چین و چهار کشور آسیای مرکزی در سازمان همکاری شانگهای، روسیه همچنین ممکن است به دنبال ابزاری برای مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه باشد (Roy, 2000:25-33). ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی شاید عامل اصلی رقابت قدرت بین چین، روسیه و ایالات متحده در منطقه است (Department of Energy (a), 2002).

فقدان مسیرهای جایگزین برای صادرات نفت و گاز طبیعی آسیای مرکزی به روسیه اجازه داده است تا کنترل خود بر منابع انرژی منطقه را حفظ کند. نفت و گاز آسیای مرکزی برای رسیدن به بازارهای جهانی باید از طریق خطوط لوله موجود در خاک روسیه حمل شوند (Department of Energy (b), 2002).

روسیه به عنوان تأمین‌کننده بزرگ انرژی جهان و خریدار اصلی محصولات تولیدکنندگان انرژی منطقه سعی در حفظ حیاط خلوت خود و کنترل نفوذ دیگر کشورها دارد. پیگیری‌های این کشور درباره طرح اوپک گازی، یکی از این دستاوردها است (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷:۱۶۴). به خصوص زمانی که آژانس اطلاعات انرژی برآورد کرد که روسیه ۲۷ درصد و ایران ۱۷ درصد از ذخایر جهانی گاز را کنترل می‌کنند. بنابراین تصمیم پوتین برای تشکیل باشگاه انرژی در سازمان همکاری شانگهای تحرک‌هایی را به وجود آورد. افزایش ذخایر آسیای مرکزی سبب خواهد شد که این سازمان بیش از ۵۰ درصد از کل انرژی جهان را به کنترل خود درآورد (Energy Information Administration, 2006). یکی از دلایل اصلی روسیه برای ایجاد سازمان همکاری شانگهای ترس از بی‌ثباتی در منطقه آسیای مرکزی بود که در سراسر مرزهای جنوبی روسیه پراکنده است (Orttung, 2008). از طریق این سازمان، روسیه می‌تواند با همسایگان جنوبی خود همکاری نماید تا جلوی مشکلات در حال رشد را بگیرد و یک منطقه حائل پایدار بین مناطق جنوبی روسیه و مسئله رشد اسلام رادیکال در آسیای مرکزی ایجاد کند (The Foreign Policy Concept of Russia, 2000).

موانع نفوذ روسیه در آسیای مرکزی

نیازهای روزافزون جهان صنعتی به منابع انرژی سبب شد تا توجه جهانی به منابع انرژی دریای خزر از روند سریع و فزاینده ای برخوردار شود. از این کشورها، روسیه و ایران جایگاه بالایی در میان صادرکنندگان نفت و گاز دارند. وجود منابع انرژی در این دریاچه آن را به عرصه رقابت قدرتهای منطقه ای و بین المللی تبدیل کرده است و این بازیگران در تلاش برای یافتن موقعیت مناسب در تعیین مسیر حمل و نقل انرژی هستند *Oliker and Szayna, 2003:196-199*.

ایالات متحده به عنوان یکی از مهم ترین مصرف کنندگان نفت در پی تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی است. منابع انرژی دریای خزر به دلیل کاهش وابستگی آمریکا به خلیج فارس از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف اصلی آمریکا جلوگیری از حضور روسیه و ایران در صادرات انرژی منطقه است (کولایی و اله مرادی ۱۳۹۰: ۴۹). اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی برای ایالات متحده با حملات تروریستی در آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به طور چشمگیری مطرح شده است. این منطقه در خط مقدم مبارزه با تروریسم، افراط گرایی مذهبی و قاچاق اسلحه قرار دارد. پس از ۱۱ سپتامبر، همه کشورهای آسیای مرکزی به یک شکل یا به نوع دیگری به ایالات متحده و نیروهای نظامی ائتلافی در افغانستان کمک کردند و در نتیجه آن ایالات متحده تا حد زیادی حضور استراتژیک خود را در آسیای مرکزی گسترش داد (*Namazbekov, 2007:276*). به طور کلی، کمک و سرمایه گذاری ایالات متحده برای تقویت استقلال کشورهای آسیای مرکزی و جلوگیری از نفوذ روسیه، چین و مشاهده شده است (*Nichol, 2009:2*). دسترسی به انرژی برای ایالات متحده هم به منظور تأمین منابع اضافی انرژی برای خود و غرب و هم برای اطمینان از استقلال و حاکمیت کشورهای آسیای مرکزی مهم است (*Blank, 2007:5*). محرک اصلی سیاست ایالات متحده در آسیای مرکزی این است که تلاش کرده تا دسترسی شرکت های آمریکایی به اکتشاف انرژی، پالایش و فرصت های بازاریابی را در سه دولت تولید کننده انرژی منطقه، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به دست آورد. دولت ایالات متحده همچنین به دنبال این است تا قیمت های جهانی انرژی را از طریق توسعه ذخایر در منطقه تعدیل کند و امنیت انرژی ایالات متحده و اروپا را با تنوع تأمین کنندگان و مسیرهای صادرات افزایش دهد (*Nichol, 2009: 26*). نیاز روبه رشد چین به انرژی و جایگاه آسیای مرکزی به عنوان تنها منطقه ای که می تواند انرژی خود را از راه زمینی به چین عرضه کند، اهمیت زیادی یافته است (*Gelb, 2006:15*). چین نیز رویکردهای

دوره ای بلند مدت را برای احتمال قطع انرژی از این منطقه در نظر گرفته است. با توجه به نیازهای روزافزون چین به انرژی، روسیه به عنوان متحدی استراتژیک برای این کشور در آسیای مرکزی محسوب می شود، اگرچه تاکنون خطوط لوله‌ای کشیده نشده و نفت روسیه بیشتر توسط راه آهن به چین عرضه می شود، اما چین به ایجاد طرح انتقال انرژی از طریق خط لوله اقیانوس آرام امیدوار است (حسین رفیع و همکاران، ۸۸-۱۳۸۷: ۶۴). علاوه بر این، چین خط لوله ای از طریق قزاقستان برای دستیابی به منابع انرژی دریای خزر کشیده است. گفته می شود که این طرح با معیارهای غربی در سود دهی تجاری مطابقت ندارد اما برای چین موضوع امنیت انرژی گاهی اقتصاد را نیز مغلوب ساخته است حتی اگر خط لوله قزاقستان تنها برای رفع ۵ درصد از نیاز چین به نفت در نظر گرفته شده باشد (پارامانف، ۱۳۸۵: ۹۶). به واسطه رشد سریع تقاضا برای انرژی در چین دولت این کشور در تلاش است تا راهی برای دست یابی به منابع انرژی حوزه آسیای مرکزی بیابد. برنامه‌های چین در این زمینه تا حدودی بلندپروازانه، پرهزینه و دارای پیامدهای ژئوپلیتیک در این منطقه استراتژیک از جهان می باشد (Kreft, 2006:107). امنیت انرژی اروپا نیز به دلیل کاهش تولید انرژی در کشورهای اروپایی و بی ثباتی در مناطق تولید انرژی به ویژه خاورمیانه و وابستگی به منابع انرژی روسیه با چالش جدی روبه رو شده است. سیاست انرژی اروپا تأمین انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز است که بر اساس آن برنامه همکاری برای انتقال نفت و گاز به اروپا با عنوان اینوگیت، مسئول ساماندهی امور انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر شده است. هدف این برنامه ارائه مبانی حقوقی توسعه نفت و گاز و طرح‌های چند جانبه خط لوله در این منطقه است. برنامه دیگر تراسیکا^۱ است که اتحادیه اروپا در چارچوب آن کمک‌های مالی با هدف راه اندازی مسیرهای حمل و نقل در محور آسیا، قفقاز و اروپا را ارائه می کند. منابع جدید انرژی برای تأمین امنیت انرژی اتحادیه اروپا، نفت و گاز منطقه خزر است که بیشترین حجم آن در جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان قرار دارد (Winchester, 2007:15-18).

روسیه برای افزایش نفوذ خود و بهبود روابط با کشورهای منطقه تلاش می کند و همواره به دنبال تضمین عرضه پایدار انرژی در منطقه و حفظ موقعیت بین المللی خود بوده است (Baev, 2006:12-16).

نتیجه گیری

^۱. TRASECA, Transport Corridor Europe Caucasus Asia (TRACECA)

اگرچه نفوذ اقتصادی روسیه در دهه ۱۹۹۰ با توجه به مشکلات اقتصادی داخلی کاهش یافت، اما در دهه ۲۰۰۰ به خصوص بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور نظامی آمریکا در منطقه این نفوذ افزایش یافت. مبادلات اقتصادی روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در دهه ۱۹۹۰ کاهش یافت و به پایین ترین سطح خود رسید اما با آغاز به کار ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس جمهور فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۰، مشی سیاست خارجی این کشور در جهت فعال تر کردن جهت گیری به سوی آسیای مرکزی آشکار شد. تاکتیک دیپلماسی روسیه نیز تغییر و بر توسعه همکاری های دوجانبه با کشورهای منطقه و همگرایی سریع به شیوه های گوناگون با کشورهای منطقه تأکید کرد. رهبران روسیه با اشاره به واقعیت های جهان پس از جنگ سرد، بر ضرورت تقویت و تحکیم روابط روسیه و کشورهای پیرامون تأکید می کنند. اموال نظامی و تأسیسات دفاعی روسیه، روس تبارهای «خارج نزدیک» و پیوندهای اقتصادی عمیق و گسترده، حساسیت جدی روسیه را نسبت به مسایل مناطق پیرامون خود شدت بخشیدند. روسیه در شرایط جدید می کوشد اگر نتواند تنها قدرت با نفوذ و تعیین کننده منطقه باشد، دست کم از قدرت های با نفوذ و تأثیرگذار منطقه به شمار آید. ساختارهای داخلی کشورها، پیوستگی عرصه انرژی، حمل و نقل و حضور میلیون ها روس در کشورهای مستقل همسود مزیت هایی است که روس ها از آن برخوردار هستند. ثبات در آسیای مرکزی نیز یک پیش شرط برای هموار کردن واردات نفت و گاز از آسیای مرکزی است. روسیه می خواهد کشورهای آسیای مرکزی را در حوزه نفوذ خود نگه دارد تا از همکاری آنها نه تنها در تأمین انرژی، بلکه در مناطق دیگر که اهمیت استراتژیک دارند اطمینان حاصل کند. روسیه در تلاش است تا با افزایش نفوذ خود بر منابع انرژی آسیای مرکزی، آرایش نیروهای نظامی خود در منطقه، بهره گیری از افراط گرایی و همچنین تقویت بلوک های منطقه ای موافق روسیه همچنان هژمونی خود بر منطقه را حفظ کند. اهداف اقتصادی مسکو شامل این امر است که مطمئن شود شرکت های روسی در توسعه منابع طبیعی منطقه مشارکت خواهند کرد و این که صادرکنندگان نفت و گاز آسیای مرکزی همچنان به استفاده از خطوط لوله روسیه ادامه می دهند. روسیه برای پیشبرد اهداف خود در آسیای مرکزی و حفظ حوزه نفوذ خود در منطقه از ابزارهای مختلفی همچون تجارت، انرژی و سرمایه گذاری استفاده می کند تا بتواند همچنان قدرت برتر در آسیای مرکزی باشد. روسیه علاوه بر نقش آفرینی جدی در بازار انرژی، اقدام های گسترده ای را برای کنترل تولید و

انتقال نفت و گاز در آسیای مرکزی آغاز کرده است. عوامل ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک آسیای مرکزی بر مسائل انتقال نفت و گاز تأثیر آشکاری گذاشته است. روسیه به وسیله شبکه حمل و نقل دوران شوروی به دنبال بازسازی نفوذ خود در آسیای مرکزی بوده است. عملکرد این کشور در بخش انرژی ماهیت امنیتی- استراتژیک داشته و شرکت‌های نفت و گاز روسیه مهم ترین عامل برای تبدیل این کشور به بازیگری عمده در بازارهای نفت و گاز بوده اند. روسیه با دیدگاه انحصارگرایانه‌ای که همواره به آسیای مرکزی داشته این منطقه را بخشی از حوزه نفوذ سنتی خود دانسته و به طور سنتی و انحصاری مسیر اصلی صدور نفت و گاز این کشورها به سوی غرب را در اختیار داشته است. روسیه همچنان خروجی اصلی گاز و نفت این کشورها است، اما با توجه به رقابت اتحادیه اروپا، ایالات متحده و چین با روسیه در مورد بهای انرژی آسیای مرکزی، این کشور تصمیم گرفته است با افزایش قیمت خرید خود به مشتری بهتری برای آنها تبدیل شود. روسیه گاز آسیای مرکزی را برای مصرف داخلی خود، اوکراین و دیگر کشورهای همسود خریداری می‌کند. بنابراین گاز خود را برای فروش به اروپا به قیمتی بسیار بالاتر از قیمت خرید گاز از آسیای مرکزی ارائه می‌کند. روسیه علاوه بر افزایش قیمت‌های خرید خود به کشورهای حاشیه دریای خزر پیشنهاد کرده میزان صادرات انرژی خود را به اروپا از راه خطوط لوله روسیه افزایش دهند. روابط روسیه و کشورهای آسیای مرکزی نشان دهنده تلاش‌های پیگیر این کشور برای بهره‌گیری از ابزار انرژی به منظور ارتقاء جایگاه خود در نظام بین الملل از راه حفظ ثبات و آرامش در این جمهوری‌ها و جلوگیری از توسعه نفوذ قدرت‌های دیگر بوده است. روسیه با استفاده از روس‌های ساکن در منطقه و همچنین ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی به دنبال توسعه نفوذ خود در خارج نزدیک است. اگرچه در شرایط فعلی روسیه قدرت برتر منطقه است، اما با توجه به افزایش نقش انرژی در اقتصادهای جهانی و اهمیت فزاینده انرژی در آسیای مرکزی قدرت‌های دیگر از جمله چین، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز به دنبال دستیابی به منابع انرژی در آسیای مرکزی هستند. به همین خاطر رقابت شدیدی بین قدرت‌ها در منطقه شکل گرفته است که تهدیدی برای منافع روسیه به شمار می‌رود. روسیه، آسیای مرکزی را خارج نزدیک خود می‌داند و حضور قدرت‌های دیگر را در کنار مرزهای خود بر نمی‌تابد و برای جلوگیری از نفوذ دیگران در منطقه از هر ابزاری برای حفظ منافع خود استفاده می‌کند. بنابراین می‌توان گفت آسیای مرکزی در حال حاضر کانون دو نیروی مخالف از سوی شرق با محوریت

روسیه و همکاری چین و از سوی غرب با محوریت آمریکا و همراهی اتحادیه اروپا است. اگر چه برآیند نیروهای وارده بر این منطقه در حال حاضر کفه روسیه را بیش از کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا تقویت کرده است، اما نمی توان تأثیر نیروهای وارده غربی را نیز در این کشورها نادیده گرفت. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور نظامی آمریکا در منطقه شرایطی را برای این کشور فراهم کرد تا بتواند روسیه را بیش از پیش تحت کنترل داشته باشد و افزایش این حضور در آسیای مرکزی می تواند منافع روسیه را با خطرات جدی مواجه کند. در این میان تمایل کشورهای منطقه برای توسعه مناسبات خود با غرب می تواند نفوذ آمریکا را گسترده تر کند.

منابع و مأخذ

- پارامانوف، ولادیمیر (۱۳۸۵)، "چین و آسیای مرکزی: روابط اقتصادی و آینده"، ترجمه سعیده موسوی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۳.
- دیلمی معزی، امین (۱۳۸۷)، "آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست جهانی، تعامل ژئواکونومی و ژئوپلیتیک"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۵ و ۶.
- دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران نشر.
- رفیع حسین، دیان جانباز و آمنه شیرخانی (۸۸-۱۳۸۷)، "آسیای مرکزی: منطقه‌ای پویا برای فعالان امنیتی"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳.
- رونوون، پیر و ژان باتیست، دوروزل (۱۳۵۴)، مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین‌الملل، ترجمه احمد میرفندرسکی، دانشگاه تهران.
- فیضی، سیروس (بهار ۱۳۹۰) "منطقه نفوذ: راهبرد قدرت‌های بزرگ"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۵.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، انتشارات سمت، تهران.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، سیاست‌ها و اقدامات امنیتی روسیه در خارج نزدیک، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)، ابرار معاصر، تهران.
- کولایی، الهه و آزاده اله مرادی (۱۳۹۰)، "سیاست انرژی روسیه در آسیای مرکزی"، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۱.
- منصفی، ابوالقاسم (۱۳۵۸)، سازمانهای بین‌المللی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- نقدی نژاد، حسن و محمد سوری (۱۳۸۷)، "رقابت روسیه و آمریکا در ارواسیا"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲.

- Ahrari, M.E. with James, Beal (June 2004), "The New Great Game", Mcnair. Available at: <http://www.rice.edu>, Accessed on: 21 March 2013.

- Baev, Pavel K (19 November 2006), *The Caspian Direction in Putin's Energy Super- Power Strategy for Russia*, International Peace Research Institute, Oslo (PRIO).

- Balaeva, E (February 29, 2012), "Integratsiya VO Imya Gazproma", Available at: <http://www.respublika-kz.info/news/politics/20998/>. Accessed on: 10 May 2013.

- Bhatti, Roj Sultan Khan (autumn 2008), "RUSSIA: THE TRADITIONAL HEGEMON IN CENTRAL ASIA", Area Study Centre for Europe, University of Karachi, Pakistan.
- Blank Stephen J (March 2007), "U.S. Interests in Central Asia and the Challenges to Them", Strategic Studies Institute Monograph.
- Boonstra, Jos (22 October 2008), "Russia and Central Asia from Disinterest to Eager Leadership", EU-Central Asia Monitoring (EUCAM) Project. www.gees.org/documentos/Documen-03204.pdf. Accessed on: 16 /3/ 2013.
- Boucek, Christopher (10 January 2007), "Energy Security Implications of Post-Niyazov Turkmenistan", Available at: www.cacianalyst.org/view_article.php?articleid=4643. Accessed on: 27/ 12/ 2012.
- Dannreuther, Roland (2011), "Can Russia Sustain Its Dominance in Central Asia?" *Security Dialogue* 32.
- Department of Energy Country Analysis Brief for Russia (a) (November 2002), Available at: <http://www.cia.doc.gov>. Accessed on: 23 /4/ 2013.
- Department of Energy Central Asian Region Analysis Brief (b) (May 2002). Available at <http://www.eia.doe.gov>. Accessed on: 18 /5/ 2013.
- Energy Information Administration (January 2006), U.S. Department of Energy, Country Analysis Briefs: Russia, Available at: <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Russia/Background.html>. Accessed on: 9 /3/ 2013.
- Gazprom Potratit 3 (7 September 2011), mlrd rublei na geologorazvedku v Kirgizii", Available at: <http://www.vesti.ru/doc.html?id=562275&tid=89698>. Accessed on: 12/6/ 2013.
- Gelb, Bernard A (July 2006), "Caspian Oil and Gas: Production and Prospects", CRS Report for Congress, Available at: [Http://italy.usembassy.gov/pdf/other/RS21190.pdf](http://italy.usembassy.gov/pdf/other/RS21190.pdf). Accessed on: 25 /7/2013.
- Guboglo, Mikhail (1990-91), "Demography and Language in the Capitals of the Union Republics," *Soviet Nationalities Papers* 4.
- Hedenskog, Jakob and Larsson, Robert (June 2007), "Russian Leverage on the CIS and the Baltic States", Stockholm: Swedish Defence Research Agency (FOI).
- Hill, Fiona (25 March 2004), "Central Asia and the Caucasus: The Impact of the War on", Available at: <http://www.eai.doe.gov>. Accessed on: 11 /2/ 2013.
- Holsti, K. J (1988), "International Politics: A Framework for Analysis", Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice-Hall, Fifth edition.
- Irina Sinitsina (2012), "Economic Cooperation between Russia and Central Asian Countries: Trends and Outlook", University of Central Asia, Institute of Public Policy and Administration, Working Paper, No- 5.
- Iskaliev, N.I (1995), "Kazakhstan I Uzbekistan Na Puti k Integratsii, in Vneshnaya politika Kazakhstan", *Sbornik Statey*, Alma-ata, Moscow.

-
- James, Nixey (June 2012), "The Long Goodbye: Waning Russian Influence in the South Caucasus and Central Asia", *Russia and Eurasia Programme, REP RSP BP*.
- Keal, Paul (1983), "Contemporary Understanding about Sphere of Influence", *Review of International Studies, No.9*.
- Kreft, Heinrich (2006), "China's Energy Security Conundrum", *The Korean Journal of Defense Analysis, Vol. XVIII, No.3*.
- Larsson, Robert (2007), "Energikontroll: Kreml, Gazprom och rysk energipolitik", Stockholm: Swedish Defence Research Agency (FOI), FOI-R—2445—SE.
- LUKOIL vlozhit v Kazahstan v gret' milliarda dollarov (5 July 2011), Available at: <http://www.vestifinance.ru/articles/168>. Accessed on: 1/7/2013.
- Marcin, Kaczmarek (11 January 2006), "Russia Creates a New Security System to Replace the CIS", *Eurasianet*, Available at: www.eurasianet.org/departments/insight/articles/pp11106.shtml. Accessed on: 20/2/2013.
- Ministry of Foreign Economic Relations (February 2012), "Investments and Trade of the Republic of Uzbekistan", *Torgovoekonomicheskoei investitsionnoe sotrudnichestvo Respubliki Uzbekistans Rossiiskoi Federatsiei, (n.d.)*, Available at: <http://www.mfer.uz>. Accessed on: 10/4/2013.
- Namazbekov, M.N (5 June 2007), "Energeticheskie interesy SShA, Rossii i Kitaia v Tsentral'noi Azii i Kazakhstana", *Conference Paper Published by the Kazakhstan Institute for Strategic Studies under the President of the Republic of Kazakhstan, Almaty*.
- National Statistical Committee of the Kyrgyz Republic (2011), *Deyatel'nost' predpriyatii s inostrannymi investitsiyami v Kyrgyzskoi Respublike (2006-2010)*, Bishkek: National Statistical Committee), Available at: www.logincee.org/file/24897/library. Accessed on: 17/6/2013.
- Nichol, Jim (2009), "Central Asia: Regional Developments and Implications for US Interests", *US Library of Congress, Congressional Research Service, CRS Report RL33458*.
- Novye, poshliny (11 April 2012), "V Sviazi so Vstupleniem RF v VTO Stanut Izvestny v Mae", Available at: <http://ria.ru/economy/20120411/623178515.html>. Accessed on: 15/5/2013.
- Olivier, Roy (2000), "The New Central Asia, New York", *New York University Press*.
- Orttung, Robert (2008), "Russia's Southern Regions: Threats and Opportunities," from the *Policy Brief of the East West Institute*, Available at: <http://psp.iew.org>. Accessed on: 8/4/2013.
- Pannier, Bruce (November 17, 2004), "Central Asia: Russia Comes on Strong (Part 1)", , Available at:

<http://www.rferl.org/featuresarticle/2004/11/5cb963eb-9823-4a34-9198801e1f7eacb1.html>. Accessed on: 4/2/ 2013.

- Paramonov, V. and A. Stokov, (a) (Jan 2008), "Russia-Central Asia: Existing and Potential Oil and Gas Trade", *Central Asia Series, Defence Academy of the United Kingdom, Shrivenham*.

- Paramonov, V. and Stokov Aleksey, (b) (May 2008), "Russian Oil and Gas Projects and Investments in Central Asia", *Central Asia Series, Defence Academy of the United Kingdom*.

- Paramonov, Vladimir and Aleksey Stokov (July 2006), "Russia and Central Asia: Current and Future Economic Relations", *Defence Academy of the United Kingdom*.

- RF Ministry of Economic Development (February 2012), *Portal of foreign economic relations*, "O deyatel'nosti poprovdizheniyu investitsionnyh i innovatsionnyh proektov rossiiskih kompanii v Uzbekistane, (n.d.), Available at: http://www.ved.gov.ru/exportcountries/pages/rus_projects/countries/214., accessed on: 6/5/ 2013.

- Rosen, Steven J. and Walter, Jones (1977), "The Logic of International Relations", *Cambridge Mass: Wenthrop*.

- Rutland, Peter (November 2003), "Russia's Response to U.S. Regional Influence", *National Bureau of Asian Research journal Analysis*, volume 14, no. 4.

- Safarov, N (3 December 2010), "Tadzhikistan: torgovlya i investitsii v 2010 godu", Available at: <http://almaz2002.livejournal.com/16284.html>. Accessed on: 29/8/ 2013.

- Starr, S. Frederick (2005), "A Greater Central Asia Partnership for Afghanistan and Its Neighbors", *Washington, D.C.: Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program*.

- *The Foreign Policy Concept of the Russian Federation* (28 June 2000), from the *NATO-Russia Archive Russia and Central Asia*, Available at: <http://www.bits.de/NRANEU/CentralAsia.html>. Accessed on: 13/3/ 2013.

- Walker, Christopher (February 2007), "CIS: The Emerging Post-Soviet Petro-State", Available at: www.eurasianet.org/departments/business/articles/pp.020307.shtml. Accessed on: 7/4/ 2013.

- Winchester, Robert, (May 2007), "European Energy Security: Wrestling The Caspian Natural Gas", *Usawc Program Research Paper (PRP)*, <http://www.dtic.mil/cgibin>. Accessed on: 14/2/ 2013.

- Woo, R (Spring 2002), "Russian National Interests and Foreign Policy", *Pacific Focus*, Vol.17. No.1.

- Zharmukhamed, Zardykhan (2004), "Russians in Kazakhstan and Demographic Change: Imperial Legacy and the Kazakh Ways of Nation Building," *Asian Ethnicity*, Vol.10. No. 5.

- Ziegler, Charles, E (2006), *The Russian Diaspora in Central Asia: Russian Compatriots and Moscow's Foreign Policy*, Heldref Publication.